



## تناوب‌های فاعل فرعی در فارسی

مریم قیاسوند

### چکیده

در سال‌های اخیر، مطالعه رفتار نحوی- معنایی افعال در معناشناسی واژگانی و نیز در حوزه مطالعات مربوط به پردازش زبان‌های طبیعی بسیار مورد توجه بوده است. فیلمور نخستین کسی بود که به بررسی چگونگی بازنمایی معنایی افعال و طبقه‌بندی آن‌ها پرداخت. روش فیلمور در این زمینه، استفاده از دستور حالت<sup>۱</sup> و نقش‌های معناشناختی بود. بعد از آن تعدادی از پژوهشگران سعی در طبقه‌بندی معنایی افعال بر اساس رفتار تناوبی آن‌ها داشتند و بر این باور بودند که مشخصه‌های معنایی خاصی در برخی فعل‌ها وجود دارد که باعث می‌شود آن افعال تناوب خاصی را نشان دهند. به عبارت دیگر، افعالی که مؤلفه‌های معنایی یکسانی دارند، رفتارهای نحوی یکسانی (یا تناوب‌های یکسانی) نیز خواهند داشت. اولین طبقه‌بندی از این دست را می‌توان پژوهش جامع بت لوین (۱۹۹۳) دانست که ۷۹ تناوب موضوعی و ۴۹ طبقه معنایی گسترده را برای افعال در انگلیسی شناسایی کرد. پژوهش حاضر سعی در بررسی تناوب‌های فاعل فرعی بر اساس طبقه‌بندی لوین در مورد افعال فارسی دارد. اگر تناوبی در فارسی معادلی داشته است، آن را به همراه شواهدی معرفی کرده‌ایم. اگر تناوبی در فارسی وجود نداشته است، تنها به معرفی آن بسنده کرده و در مواردی که تناوبی در فارسی مشاهده شده که در طبقه‌بندی بت لوین وجود نداشته با ارائه شواهد کافی و با تذکر این نکته که تناوب مذکور خاص زبان فارسی است، معرفی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تناوب موضوعی، تناوب فعلی، تناوب فاعل ابزاری، تناوب فاعل نیروی طبیعی، تناوب فاعل مواد خام، تناوب فاعل جای گیرنده در مکان، تناوب فاعل سبب انتزاعی

## ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، مطالعه رفتارهای نحوی- معنایی افعال در حوزه پردازش زبان طبیعی<sup>۱</sup> بسیار مورد توجه بوده است. این مبحث یکی از مباحث مورد توجه در معناشناسی واژگانی می‌باشد. معناشناسی واژگانی حوزه مطالعاتی جدیدی از معناشناسی است که در آن کوچک‌ترین واحد مورد بررسی واحد واژگانی<sup>۲</sup> می‌باشد. از مباحث مورد بحث در این حوزه، چگونگی بازنمایی معنای واحدهای واژگانی و طبقه‌بندی آن‌ها به لحاظ معناشناختی می‌باشد. تعدادی از پژوهش‌گران سعی در طبقه‌بندی معنایی افعال بر اساس رفتار تناوبی آن‌ها داشته‌اند. تناوب‌های فعلی، ساختارهای نحوی دوگانه‌ای هستند که با استفاده از یک تقابل به هم مرتبط می‌باشند. یک فعل می‌تواند بسته به کاربردش، در تعداد موضوعات و همین‌طور در روابط دستوری بین موضوعاتش تغییراتی ایجاد کند و در واقع با دو چارچوب زیرمقوله‌ای متفاوت به کار رود. ساختارهایی مثل «او در را با کلید باز کرد» یا «کلید در را باز کرد» نمونه‌ای از ساختارهای دوگانه‌ای هستند که شامل فعل یکسان اما ساختار موضوعی متفاوتی هستند. در جمله اول فعل «باز کردن» دارای سه موضوع «فاعل، مفعول صریح و مفعول غیرصریح» با نقش‌های معنایی «کنشگر، کنش‌پذیر و ابزار» می‌باشد و در جمله دوم دارای دو موضوع «فاعل و مفعول صریح» با نقش‌های معنایی «ابزار و کنش‌پذیر» می‌باشد. از آنجایی که تناظر مورد نظر بین نقش‌های معنایی موضوعات فعل و نقش‌های نحوی‌ای که آن موضوعات ایفا می‌کنند، رخ می‌دهد معمولاً به آن‌ها تناوب‌های موضوعی<sup>۳</sup> هم گفته می‌شود. برخی از محققان از تناوب‌های موضوعی، به‌عنوان معیاری برای طبقه‌بندی فعل‌ها استفاده کرده‌اند و بر این باورند که مشخصه‌های معنایی یا نحوی خاصی در برخی فعل‌ها وجود دارد که باعث می‌شود تناوب‌های خاصی را نشان دهند، یعنی افعالی که مؤلفه‌های معنایی یکسانی دارند، رفتارهای نحوی یکسانی (یا به عبارتی تناوب‌های یکسانی) نیز خواهند داشت. اولین طبقه‌بندی از این دست را می‌توان پژوهش جامع لوین (۱۹۹۳) دانست که ۷۹ تناوب موضوعی شامل گروه‌های اسمی و گروه‌های حرف‌افزای را مشخص کرد و بر این اساس ۳۰۲۴ فعل انگلیسی (۴۱۸۶ معنای فعلی) را به ۴۹ طبقه معنایی گسترده و ۱۹۲ ریز طبقه<sup>۴</sup> دسته‌بندی کرد. با توجه به آراء لوین، فعل‌هایی که تناوب‌های یکسانی دارند متعلق به طبقه معنایی یکسانی هستند.

بخش عمده‌ای از آرای لوین ریشه در عقاید فیلمور (۱۹۶۸، ۱۹۷۷) دارد که معتقد است این معنای افعال است که رفتارهای نحوی افعال را رقم می‌زند. در واقع فیلمور نخستین کسی بود که به موضوع رفتارهای نحوی مشترک افعال، بازنمایی معنایی افعال و استخراج ویژگی‌های معنایی مشترک میان افعال هر طبقه پرداخت. روش فیلمور در این خصوص، استفاده از دستور حالت و نقش‌های معنایی بود، درحالی‌که لوین با انتقاد از روش فیلمور مبنی بر کاستی‌های موجود در فهرست نقش‌های معناشناختی وی، روش دیگری را برای استخراج مؤلفه‌های معنایی مرتبط با تحقق‌های موضوعی افعال پیشنهاد کرد که مبتنی بر طبقه‌بندی

1. natural language processing
2. lexical unit
3. argument alternations
4. fine grained

افعال بر اساس تناوب‌های موضوعی<sup>۱</sup> مشترکشان است (طیب‌زاده، زیر چاپ: ۲-۴). در بخش بعد مروری بر نگرش‌های گوناگون در طی چندین دهه اخیر در این خصوص خواهیم داشت و سپس مختصری در رابطه با چارچوب نظری این پژوهش صحبت خواهد شد.

## ۲. پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

در طی ۵۰ سال اخیر، توجیهات گوناگونی برای تناوب‌های موضوعی مطرح شده که گرایش‌های نظری مطرح در برهه‌های زمانی خاص را نشان می‌دهد. در دهه ۱۹۶۰ توجیهات کاملاً نحوی بودند و تحلیل‌های گشتاری برای برخی تناوب‌های موضوعی مطرح شد. با این فرض که یک گونه، گونه‌ی اصلی است و دیگری به واسطه گشتار از آن مشتق شده است (Fillmore 1965). در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ با رشد واژگان‌گرایی<sup>۲</sup> توجیهات غیرگشتاری برای تناوب‌های موضوعی مطرح شد که در این توجیهات دو گونه‌ی یک تناوب، توسط یک قاعده‌ی واژگانی به هم مرتبط می‌شوند و در واقع توجه به مؤلفه‌ی معنایی در توجیهات شروع شد (Levin, 2015: 67-68). در این دوره تلاش بر این بوده است تا دریابند که چگونه تفاوت‌های جزئی در معنای فعل موجب تفاوت در ساخت‌های نحوی می‌شود که این واحدها در آن شرکت می‌کنند. همان گونه که عنوان شد لوین از جمله افرادی است که تلاش زیادی برای نشان دادن تأثیر معنای فعل بر رفتار نحوی آن انجام داده است. وی با استفاده از تناوب‌های دوگانه معنای بسیاری از افعال را به صورت کمینه تجزیه کرده و افعال را با توجه به این معنای طبقه‌بندی کرده است. پژوهش وی بر این فرض استوار است که رفتار نحوی یک فعل را معنای آن فعل مشخص می‌کند. بت لوین (۱۹۹۳) اظهار می‌دارد که دانشی که سخنگویان از ویژگی‌های یک فعل دارند، بیشتر از صرفاً آگاهی در مورد بیان موضوعات آن فعل است و اساس پژوهش وی بر این فرض استوار است که ویژگی‌های نحوی فعل توسط ویژگی‌های معنایی مشخص می‌شوند.

لازم به ذکر است که تناوب‌هایی که بر اساس آن‌ها افعال انگلیسی طبقه‌بندی شده‌اند، تقریباً جز در موارد معدود تناوب‌های بینا زبانی هستند، یعنی در اکثر زبان‌ها مشاهده شده‌اند. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه در زبان فارسی می‌توان از رساله دکتری روشن (۱۳۷۷) و دو مقاله از طیب‌زاده (زیر چاپ) نام برد. روشن با اتخاذ روش مبتنی بر تجزیه‌ی کمینه‌ی معنای افعال به مؤلفه‌های معنایی از میان روش‌های مطالعاتی معناشناسی واژگانی، به مطالعه‌ی ساختار معنایی واحدهای واژگانی و ارتباط این ساختار با ویژگی‌های نحوی آن‌ها می‌پردازد. وی در پژوهش خود برخی از تناوب‌های معرفی‌شده در پژوهش لوین را در زبان فارسی بررسی کرده است که در جای خود به نتیجه مطالعات ایشان اشاره خواهد شد. طیب‌زاده نیز در مقاله‌ی «تناوب‌های گذرایی در فارسی؛ تحقیقی بر اساس آرای بت لوین»، همان‌طور که از نام آن پیداست، سعی در بررسی دسته‌ای از تناوب‌های معرفی‌شده توسط لوین با عنوان تناوب‌های گذرایی داشته‌اند. این

1. Argument alternation/ Diathesis alternation

2. lexicalism

تناوب‌ها عبارت‌اند از انواع تناوب‌هایی که در آن‌ها متمم مستقیم فعل گذرا مساوی است با فاعل فعل ناگذرا، تناوب‌های با متمم مستقیم مستتر، تناوب‌های گرایشی، و تناوب‌های حذف حرف‌اضافه. در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا طبقه‌بندی‌ای از تناوب‌های نحوی برخی افعال پربسامد فارسی ارائه شود که شامل تناوب‌های فاعل فرعی<sup>۱</sup> خواهد بود.

### ۳. تناوب فاعل فرعی

تناوب‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت، تناوب‌هایی هستند که بدون تغییر در گذرای فعل صورت می‌گیرند. در تناوب‌های فاعل فرعی شاهد تغییر در تعداد گروه‌های اسمی همراه فعل خواهیم بود. به عبارتی فعل با همان معنای اولیه اما با یک گروه اسمی کمتر در تناوب شرکت خواهد کرد. این تناوب‌ها افعالی را شامل می‌شوند که فاعل «کنشگر» دارند. وقتی که فاعل کنشگر در جمله حضور دارد، یک گروه حرف‌اضافه‌ای هم همراه فعل ظاهر می‌شود که در حالت تناوبی این گروه حرف‌اضافه‌ای می‌تواند به جای فاعل بنشیند. به این فاعل‌ها، فاعل‌های فرعی<sup>۲</sup> گفته می‌شود. وقتی فعل، فاعل غیرواقعی می‌گیرد، فاعل کنشگر دیگر بیان نمی‌شود (Levin, 1993:79). به عبارتی تناوب‌های فاعل فرعی مربوط به افعالی می‌شوند که در اصل یک کنشگر جاندار و باراده دارند که در جایگاه فاعلی جمله حضور دارد و در غیاب این فاعل اصلی می‌توانند یک گروه اسمی را که بیانگر ابزار، زمان، نیروی طبیعی، سبب انتزاعی و... است، به‌عنوان فاعل خود بپذیرند.

روشن (۱۳۷۷) تناوب‌های فاعل فرعی را شامل تناوب‌های فاعل ابزاری و تناوب‌های فاعل نیروی طبیعی می‌داند و بر اساس نوع فاعل ابزاری، طبقه‌بندی‌ای از افعال تناوب ساز در دسته اول ارائه داده است. وی فاعل ابزاری را در این بخش به انواع ابزار ساخته‌ی دست بشر، شیء یا ماده‌ی جای‌گیرنده در مکان، ماده‌ی خام یا اولیه، ماده‌ی شیمیایی، مبلغی پول و سبب انتزاعی تقسیم کرده است و بر این اساس به طبقه‌بندی افعال تناوب‌ساز در دسته‌های مربوطه پرداخته است (روشن، ۱۳۷۷: ۲۲۳-۲۳۴). ما به پیروی از لوین (۱۹۹۳) هر کدام از این تناوب‌ها را در دسته‌های جداگانه بررسی خواهیم کرد. لازم به ذکر است طبقه‌بندی لوین در این خصوص شامل ده تناوب خواهد بود که روشن برخی از این تناوب‌ها مثل تناوب فاعل زمانی<sup>۳</sup>، تناوب فاعل مبدائی<sup>۴</sup>، تناوب فاعل مکانی<sup>۵</sup>، تناوب فاعل حامل<sup>۶</sup> را در نظر نگرفته است. در این پژوهش افعالی را که تحت چنین فرایندی واقع می‌شوند را بررسی خواهیم کرد:

1. oblique subject alternations
2. Oblique subjects
3. time subject alternation
4. source subject alternation
5. location subject alternation
6. container subject alternation

**۳-۱. تناوب فاعل زمانی**

در این دسته از افعال، ساخت «گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + زمان + فعل» تبدیل به ساخت «زمان + گروه اسمی ۲ + فعل» می‌شود. به عبارتی گروه اسمی ۱ یعنی گروه اسمی فاعلی در شق دوم تناوب حذف می‌شود و گروه قیدی زمان جانشین آن می‌شود. در این دسته افعال، در یکی از شقوق تناوب فعل دارای سه موضوع «کنشگر، کنش‌پذیر و زمان» و در شق دوم دارای دو موضوع «زمان و کنش‌پذیر» خواهد بود. هنگامی که گروه اسمی فاعلی با نقش کنشگر در جمله حضور دارد، علاوه بر موضوع کنش‌پذیر، یک گروه حرف اضافه‌ای به‌عنوان قید زمان در جمله ظاهر می‌شود که در شق دوم تناوب و در صورت عدم حضور کنشگر، این گروه حرف‌اضافه‌ای بیانگر زمان، به‌صورت گروه اسمی فاعلی در تناوب شرکت خواهد کرد. طبق بررسی‌های لوین (۱۹۹۳) تعداد معدودی از افعال انگلیسی (مثلاً see, find, mark, catch) دارای این تناوب هستند.

1) a. The world saw the beginning of a new era in 1492.

b. 1492 saw the beginning of a new era.

در فارسی نیز، طبق بررسی‌های نگارنده به نظر می‌رسد که چنین تناوبی کاربرد چندانی نداشته باشد. تنها شهادی که نگارنده یدا کرده است، فعل «نوید/دن» با کاربرد استعاری آن است::

۲) الف. طبیعت آغاز زندگی جدیدی را در فصل بهار نوید می‌دهد.

ب. فصل بهار آغاز زندگی جدیدی را نوید می‌دهد.

لازم به ذکر است در متون خبری، شواهد متعددی از فعل اسنادی «شاهد بودن» در کاربردی مشابه یافت می‌شود:

۳) الف. اقتصاد کشور در سال ۲۰۱۱ افت‌وخیزهای زیادی را در قیمت ارز شاهد بود.

ب. سال ۲۰۱۱ افت‌وخیزهای زیادی را در قیمت ارز شاهد بود.

**۳-۲. تناوب فاعل نیروی طبیعی<sup>۱</sup>**

در این نوع تناوب، افعال موردنظر در یکی از شقوق تناوب دارای فاعل جاندار و با اراده و در شق دیگر، دارای فاعلی هستند که یک نیروی طبیعی را بیان می‌کند. هنگامی که فاعل اصلی در جمله حضور دارد، گروه اسمی‌ای که بیانگر نیروی طبیعی است به صورت یک گروه حرف اضافه‌ای که معمولاً دارای هسته‌ی تو، در و زیر است، در جمله حضور دارد (روشن، ۱۳۷۷). علاوه بر این حروف اضافه، به اعتقاد نگارنده تناوب‌هایی از این دست معمولاً با حروف اضافه مرکبی مثل به خاطر، به کمک و به وسیله‌ی و.. هم به کار می‌روند. در این دسته از افعال، ساخت «گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + گروه حرف‌اضافه‌ای + فعل» تبدیل به ساخت «گروه اسمی ۳ + گروه اسمی ۲ + فعل» می‌شود. گروه اسمی ۳ در شق دوم همان گروه اسمی‌ای می‌باشد که در شق اول درون گروه حرف‌اضافه‌ای واقع شده است.

1. natural force subject alternation

به اعتقاد روشن، نیروی مذکور در اصل کنشگری است که عمل فعل را انجام می دهد و در واقع موجب نوعی تغییر حالت در کنش پذیر می شود. در این حال، کنشگر جاندار تنها شرایط لازم را برای انجام عمل فعل ایجاد می کند (روشن، ۱۳۷۷: ۲۳۲). مثالی که روشن در این خصوص مطرح می کند، افعال خشک کردن و خیس کردن در جملات زیر می باشد:

(۴) الف. مریم خانم لباس های خیس را تو / در زیر آفتاب خشک می کند.

ب. آفتاب لباس های خیس را خشک می کند.

(۵) الف. علی آقا فرش ها را زیر باران خیس می کند.

ب. باران فرش ها را خیس می کند.

وی اظهار می دارد که افعالی مانند *باد دادن* و *از ریشه درآوردن* وارد این تناوب نمی شوند چراکه باد دادن برخلاف خیس کردن و خشک کردن با فاعل غیر جاندار به کار نمی رود به همین علت شق دوم تناوب زیر ناپذیرفتنی خواهد بود.

(۶) الف. مریم خانم لباس ها را در آفتاب باد می دهد.

ب. \*آفتاب لباس ها را باد می دهد.

فعلی مانند *از ریشه درآوردن* در شق دوم تناوب به کار می رود اما در شق اول ناپذیرفتنی خواهد بود:

(۷) الف. \* مردم درخت ها را در طوفان از ریشه در می آورند.

ب. طوفان درخت ها را از ریشه در می آورد.

روشن علت ناپذیرفتنی بودن جمله اول را شناخت انسان از پدیده های موجود در جهان عنوان کرده است. به طور کلی طوفان یک کنشگر طبیعی است که همواره موجب ایجاد خسارت می شود به همین دلیل جمله دوم کاملاً پذیرفتنی و قابل قبول است اما جمله اول با حضور کنشگر جاندار، ناپذیرفتنی خواهد بود. از همین رو روشن افعالی از طبقه افعال اضمحلالی، تخریبی یا شکستگی را افعالی می داند که در این تناوب شرکت نخواهند کرد. افعال تناوب سازی که روشن در این بخش نام می برد از این قرارند: (خشک کردن، خیس کردن، منجمد کردن، ذوب کردن، آب کردن، خنک کردن، گرم کردن، سوزاندن / پوست)، برنزه کردن / پوست)) (روشن، ۱۳۷۷: ۲۳۴).

طبق بررسی های نگارنده، این تناوب صرفاً مربوط به تغییر حالت کنش پذیر نمی شود و علاوه بر افعال مطرح شده توسط روشن، افعالی مانند: *به تعویق انداختن*، *به عقب انداختن*، *به تأخیر انداختن*، *به جریان انداختن*، *به کار انداختن*، هم افعال شرکت کننده در این تناوب خواهند بود. به عنوان مثال در جملاتی مانند:

(۸) الف. آن ها پروژه را به خاطر باران به تعویق انداختند.

ب. باران پروژه را به تعویق انداخت.

(۹) الف. آن ها توربین ها را به کمک جریان باد به کار انداختند.

ب. باد توربین ها را به کار انداخت.

یا افعالی مثل: *بهبود بخشیدن*، *اثر بخشیدن*، *استحکام بخشیدن*، *مستحکم کردن* و.. در جملاتی مثل:

۱۰) الف. آهنگر فلز را با کمک حرارت زیاد مستحکم‌تر می‌کند.

ب. حرارت زیاد فلز را مستحکم‌تر می‌کند.

افعالی مثل *بالا بردن*، *به حرکت درآوردن*، *تکان دادن*، *جابجا کردن* و *جوش آوردن* و... در جملاتی

مانند:

۱۱) الف. دخترک بادبادک را با کمک حرکت باد بالا برد.

ب. حرکت باد بادبادک را بالا برد.

### ۳-۳. تناوب فاعل ابزاری<sup>۱</sup>

برخی از افعال گذرا که به‌طور متناوب می‌توانند فاعل جاندار یا فاعل ابزاری بپذیرند، در این تناوب شرکت خواهند کرد. هنگامی که فاعل جاندار در جمله بیان می‌شود، علاوه بر موضوع کنش‌پذیر موضوع دیگری نیز در جمله حضور دارد که مربوط به‌وسیله یا ابزار انجام فعل است (روشن، ۱۳۷۷: ۲۲۳). این موضوع ابزاری معمولاً در یک گروه حرف‌اضافه‌ای ظاهر می‌شود که هسته آن عموماً با، با استفاده از، به‌وسیله‌ی و با کمک است. در شق دوم تناوب که فاعل جاندار در جمله بیان نمی‌شود، این موضوع ابزاری در جایگاه فاعلی ایفای نقش می‌کند. بدین ترتیب از تعداد موضوعات فعل یکی کاسته می‌شود. در نتیجه افعالی که در این تناوب شرکت می‌کنند در یکی از شقوق تناوب دارای دو موضوع (ابزار و کنش‌پذیر) و در شق دیگر تناوب دارای سه موضوع (کنشگر، کنش‌پذیر و ابزار) هستند. در این دسته از افعال، ساخت «گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + گروه حرف‌اضافه‌ای ابزار + فعل» تبدیل به ساخت «گروه اسمی ۳ + گروه اسمی ۲ + فعل» می‌شود. گروه اسمی ۳ در شق دوم همان گروه اسمی‌ای می‌باشد که در شق اول درون گروه حرف‌اضافه‌ای واقع شده است.

۱۲) الف. مریم در را با کلید باز کرد.

ب. کلید در را باز کرد.

گروه اسمی که موضوع کنش‌پذیر را بیان می‌کند در شقوق مختلف تناوب، در جایگاه مفعولی ظاهر می‌شود (روشن، ۱۳۷۷: ۲۲۳-۲۲۵).

روشن کلید را در جمله مذکور بیانگر یک ابزار واقعی می‌داند و عنوان می‌دارد علاوه بر این نوع ابزار واقعی، گروه‌های اسمی دیگری که بیان‌کننده دستگاه‌ها، مواد مختلف، سبب‌های انتزاعی، و همچنین خصیصه‌های انسانی هستند، نیز می‌توانند نقش ابزاری بپذیرند و در جایگاه فاعلی قرار بگیرند (روشن، ۱۳۷۷: ۲۲۴). به همین دلیل روشن، تناوب‌های فاعل سبب انتزاعی، فاعل مواد خام، فاعل جای گیرنده در مکان و فاعل ماده شیمیایی را زیرمجموعه تناوب ابزاری مطرح کرده است.

لوین (۱۹۹۳) از دودسته ابزار صحبت می‌کند: ابزار تسهیل‌کننده<sup>۱</sup> و ابزار میانجی<sup>۲</sup>. وی عنوان می‌دارد تنها ابزار از نوع میانجی می‌تواند به‌عنوان فاعل جمله حضور یابد و ابزار تسهیل‌کننده چنین قابلیت ندارند. پس این که یک ابزار بتواند به‌عنوان فاعل جمله بیان شود هم‌بستگی به فعل دارد و هم به انتخاب نوع ابزار یا وسیله (Levin 1993:80). در جملات زیر به ترتیب شاهد حضور ابزار تسهیل‌کننده و ابزار میانجی هستیم. مثال‌ها از روشن (۱۳۷۷: ۲۲۵) نقل می‌شود:

۱۳) الف. بسیاری از افراد پیر صداها را با سمعک می‌شنوند.

ب. \*سمعک صداها را می‌شنود.

۱۴) الف. یک جوان هفده‌ساله دو نفر را با گاز سمی / طناب خفه کرد.

ب. گاز سمی / \*طناب دو نفر را خفه کرد

در جمله بالا سمعک و طناب نوعی ابزار تسهیل‌کننده هستند، به همین دلیل نمی‌توانند فاعل جمله باشند. ابزارهای میانجی مثل گاز سمی در جمله دارای ویژگی‌های خاصی (کشنده بودن در ارتباط با گاز) هستند که در واقع موجب انجام عمل فعل می‌شود. گاز سمی در بدن انسان موجب اختلال شدید در تنفس مرگ سلول‌ها و در نتیجه مرگ می‌شود. ولی سمعک با تقویت صدا در شنیدن اصوات سهولت ایجاد می‌کند. علاوه بر این افعالی حسی مانند شنیدن، دیدن، و.. که نقش معنایی فاعلشان تجربه‌گر است تقریباً هیچ‌گاه فاعل ابزاری نمی‌پذیرند (روشن ۱۳۷۷: ۲۲۵).

افعال تناوب‌سازی که روشن در خصوص فاعل ابزاری یا وسیله‌ای که ساخته دست بشر است، نام می‌برد، از این قرارند: بریدن، شکستن، شکافتن، خرد کردن، پاک کردن، تمیز کردن، شستن، خشک کردن، متراکم کردن، منجمد کردن، کندن، سوراخ کردن، مخلوط کردن، جدا کردن، تشخیص دادن، طراحی کردن و.. به اعتقاد نگارنده، علاوه بر افعال فوق، از افعال دیگری نیز می‌توان نام برد که دارای این تناوب هستند: مثلاً بالا آوردن، بالا بردن، پایین آوردن، پایین بردن، بیرون آوردن، آوردن، جابجا کردن، تکان دادن، حرکت دادن، برداشتن، بردن، بستن، انتقال دادن، منتقل کردن.

۱۵) الف. علی با آن دستگاه وسایل سنگین را بالا آورد.

ب. آن دستگاه وسایل سنگین را بالا آورد.

۱۶) الف. با پنیر موش را از لانه بیرون آوردیم.

ب. پنیر موش را از لانه بیرون آورد.

و نیز افعالی مثل خلق کردن، ایجاد کردن، ساختن، پدید آوردن، به وجود آوردن، ترسیم کردن، طراحی کردن، ایجاد نمودن و کشیدن (رسم کردن) .. در جملاتی مثل:

۱۷) الف. علی با فتوشاپ تصاویر جالبی به وجود می‌آورد.

ب. فتوشاپ تصاویر جالبی به وجود می‌آورد

- 
1. facilitating instrument
  2. intermediary instrument



و افعالی مثل به یاد آوردن، به خاطر آوردن، یادآوری کردن، یاد چیزی انداختن، فراموش کردن، از خاطر بردن، به خنده انداختن، به وحشت انداختن، ترساندن، خنداندن، گریاندن، به وهم آوردن، به گریه انداختن، خشنود نمودن، ناراحت کردن، عصبانی کردن و.. در جملاتی مانند:

۱۸) الف. علی خاطرات گذشته را با این عکس‌ها به یاد می‌آورد

ب. این عکس‌ها خاطرات گذشته را به یاد علی می‌آورند.

۱۹) الف. پسر بچه با آن ماسک مضحک همه را به خنده انداخت

ب. آن ماسک مضحک همه را به خنده انداخت.

و افعالی مثل منعکس کردن / منعکس نمودن، منتشر کردن / منتشر نمودن، انتشار دادن، بسط دادن، گسترش دادن، پخش کردن، توزیع کردن، پراکنده کردن، پراکندن، سانسور کردن، مخفی کردن، پنهان کردن، قایم کردن، مسکوت نگه داشتن، بایگانی کردن، ارزیابی کردن، کاستن، رساندن، خبر دادن، فرستادن نیز در جملاتی مانند:

۲۰) الف. آن‌ها خبر را به وسیله رسانه‌ها منتشر کردند.

ب. رسانه‌ها خبر را منتشر کردند.

۲۱) الف. مرد جوان با پیک پیام را رساند.

ب. پیک پیام را رساند.

افعالی مثل خوشایند کردن، بهبود بخشیدن، بهتر کردن، خوشمزه کردن، رنگ و رو بخشیدن، اثربخشیدن، استحکام بخشیدن، تحکیم بخشیدن، تداوم بخشیدن، جان بخشیدن، شکوه بخشیدن، قداست بخشیدن، مشروعیت بخشیدن، نتیجه بخشیدن، نورانیت بخشیدن، جلوه دادن، شکوه دادن، در جملاتی مانند:

۲۲) الف. آشپز با آن ادویه مخصوص طعم غذا را خوشایند می‌کند.

ب. آن ادویه مخصوص طعم غذا را خوشایند می‌کند.

افعالی چون به جریان انداختن، به راه انداختن، به کار انداختن، اعمال کردن، به کار بستن، انجام دادن، تشکیل دادن، جای دادن، قرار دادن، گذاشتن، در جملاتی مثل:

۲۳) الف. کارگر با کمک آن ابزار کاربردی دستگاه را به کار انداخت.

ب. آن ابزار کاربردی دستگاه را به کار انداخت.

افعالی مثل به تعویق انداختن، به عقب انداختن، به تأخیر انداختن، به خطر انداختن، به در دسر انداختن، به مخاطره انداختن، تحقق بخشیدن، خاتمه بخشیدن، در جملاتی مانند:

۲۴) الف. مهندسین به خاطر دستگاه خراب پروژه را به تعویق انداختند.

ب. دستگاه خراب پروژه را به تعویق انداخت.

### ۳-۴. تناوب فاعل سبب انتزاعی<sup>۱</sup>

برخی از افعال گذرا که به طور متناوب می‌توانند فاعل جاندار یا فاعل فرعی از نوع سبب انتزاعی بپذیرند، در این تناوب شرکت خواهند کرد. هنگامی که فاعل جاندار در جمله بیان می‌شود، علاوه بر موضوع کنش‌پذیر موضوع دیگری نیز در جمله حضور دارد که اشاره به سببی انتزاعی دارد که منجر به انجام فعل شده است. این سبب انتزاعی معمولاً در یک گروه حرف‌اضافه‌ای با هسته‌ی با، به‌وسیله‌ی، به کمک و... ظاهر می‌شود که شباهت زیادی به گروه حرف‌اضافه ابزاری مطرح‌شده در بخش پیشین دارد. تمایز آن از گروه حرف‌اضافه‌ای با نقش ابزار، تنها بر اساس انتزاعی بودن این گروه اخیر قابل تشخیص است.

افعالی که روشن (۱۳۷۷) در این دسته جای می‌دهد افعالی از نوع افعال ثبوتی هست، مثل: ثابت کردن، معلوم کردن/ نمودن، به اثبات رساندن، مشخص کردن، نشان دادن، آشکار کردن/ ساختن، محقق کردن/ نمودن، قطعی کردن، تعیین کردن، تثبیت کردن، خنثی کردن، بی‌اثر کردن، تحکیم کردن و...

مثالی که روشن در این خصوص مطرح می‌کند:

۲۵ الف. قاضی با دلایل محکم بی‌گناهی متهم را ثابت کرد.

ب. دلایل محکم بی‌گناهی متهم را ثابت کرد.

۲۶ الف. روسای جمهور کشورهای مختلف با دوستی و مودت روابط بین کشورها را تحکیم می‌کنند.

ب. دوستی و مودت روابط بین کشورها را تحکیم می‌کند.

اما به اعتقاد نگارنده، افعال تناوب‌ساز در این بخش تنها محدود به افعال ثبوتی نمی‌شود. افعالی مثل خلق کردن، ایجاد کردن/ نمودن، به وجود آوردن، پدید آوردن، ساختن، ترسیم کردن، بخشیدن، آبرو بخشیدن، آسایش بخشیدن، اثر بخشیدن، استحکام بخشیدن، بهبود بخشیدن، به چیزی آب و رنگ بخشیدن، تحقق بخشیدن، تحکیم بخشیدن، تداوم بخشیدن، جان بخشیدن، خاتمه بخشیدن، رهایی بخشیدن، شکوه بخشیدن، عمومیت بخشیدن، فیض بخشیدن، قداست بخشیدن، مشروعیت بخشیدن، نتیجه بخشیدن، نورانیت بخشیدن، جلوه دادن و.. نیز در این تناوب شرکت می‌کنند. برای این دسته افعال می‌توان جملات زیر را به‌عنوان شاهد مطرح نمود:

۲۷ الف. نقاش با قدرت تخیلش این اثر هنری را پدید آورده است.

ب. قدرت تخیل نقاش این اثر هنری را پدید آورده است.

۲۸ الف. مهندس با معماری فوق‌العاده‌اش به این بنا شکوه بخشیده است

ب. معماری فوق‌العاده به این بنا شکوه بخشیده است

علاوه بر این، افعال زیر نیز به این طبقه تعلق دارند: به تعویق انداختن، به عقب انداختن، به تأخیر انداختن، به خطر انداختن، به دردمس انداختن، به مخاطره انداختن، تحقق بخشیدن، خاتمه بخشیدن، به جریان انداختن، به کار انداختن، به راه انداختن، فراهم آوردن، فراهم کردن.

۲۹ الف. مهندسی به خاطر خرابی هوا پروژه را به تعویق انداختند

- ب. خرابی هوا پروژه را به تعویق انداخت.
- ۳۰ الف. او با ورزش پیروی را به تعویق می‌اندازد.
- ب. ورزش پیروی را به تعویق می‌اندازد.
- افعالی مثل به شمار آوردن، به حساب آوردن، محسوب کردن:
- ۳۱ الف. مسلمانان دفاع از میهن را به حکم قرآن جهاد به حساب می‌آورند.
- ب. حکم قرآن دفاع از میهن را جهاد به حساب می‌آورد.
- افعالی مثل فشار آوردن، به خطر انداختن، به خنده انداختن، به دردمس انداختن، به مخاطره انداختن، به جان هم انداختن، به وحشت انداختن، تفرقه انداختن، جدایی انداختن، از نظر انداختن، به وهم آوردن، کسی را به خود آوردن، خشنود نمودن، وادار کردن/ نمودن، واداشتن، تحمیل نمودن/ کردن، تأثیر گذاشتن، تحت فشار گذاشتن، شکستن، درهم شکستن، دامن زدن، به زمین زدن، از میان برداشتن، به باد دادن، ... در جملاتی مثل:
- ۳۲ الف. کشورهای بیگانه با اعمال تحریم روی مردم فشار آوردند.
- ب. اعمال تحریم روی مردم فشار آورد.
- ۳۳ الف. علی با بدگویی بین دو دوست تفرقه انداخت.
- ب. بدگویی بین دو دوست تفرقه انداخت.
- و افعالی مثل افزودن، زیاد کردن، اضافه کردن، بیشتر کردن، کم کردن، گشودن، صحنه گذاشتن، در جملاتی مثل:
- ۳۴ الف. هر کس می‌تواند با مطالعه بر دامنه تجربه‌اندوزی‌های خود در حوزه خواندن بی‌افزاید
- ب. مطالعه بر دامنه تجربه‌اندوزی‌ها در حوزه خواندن می‌افزاید
- و افعالی مثل گیر انداختن، دچار نمودن، ساقط نمودن، از پا درآوردن، نجات دادن، مصون داشتن، مشغول داشتن، در جملاتی مثل:
- ۳۵ الف. زن با دادو فریادهایش دزد را گیر انداخت.
- ب. دادو فریادهای زن دزد را گیر انداخت.
- و افعالی مثل یاد چیزی انداختن، یادآوری کردن، اشاره کردن/ اشاره نمودن، به یاد کسی آوردن، از یاد بردن، فراموش کردن، در جملاتی مثل:
- ۳۶ الف. تو با این رفتارت من را یاد بچه‌ها انداختی.
- ب. رفتارت من را یاد بچه‌ها انداخت.
- و در نهایت افعالی مثل کشتن، به کشتن دادن، نابود کردن، بیچاره کردن، از بین بردن، به آتش کشیدن، آلودن، آلوده کردن، فراهم کردن، کشیدن، به زمین زدن، واداشتن، وادار کردن، در جملاتی مثل جمله ۳۷ نیز می‌توانند در این دسته افعال مطرح شوند.
- ۳۷ الف. او با حرص و طمع زیاد خود را به کشتن داد.

ب. حرص و طمع زیاد او را به کشتن داد.

### ۳-۵. تناوب فاعل جای گیرنده در مکان<sup>۱</sup>

این تناوب اشاره به موضوعی دارد که مکانش توسط فعل توصیف می‌شود. در انگلیسی این موضوع همراه با حرف اضافه with ظاهر می‌شود که در تناوب موردنظر می‌تواند به جای فاعل هم ایفای نقش کند (Levin, 1993: 81-82). مثل:

38)a. I filled the pail with water.

b. Water filled the pail.

به اعتقاد روشن (۱۳۷۷)، افعالی که در این تناوب شرکت می‌کنند از نوع افعال ناظر بر تغییر وضعیت مکان هستند و از طبقه افعال مکانی-تزیینی و افعال آلاینشی هستند؛ پر کردن، لبریز کردن، تر کردن، خیس کردن، چرب کردن=تدهین کردن، آغشته کردن(=آغشتن)، آلوده کردن، کثیف کردن، آراستن، تزئین کردن، مزین کردن، جلوه بخشیدن، چسباندن، پوشاندن، لکه لکه کردن، خط انداختن، لک انداختن و... افعالی هستند که روشن در این خصوص ذکر کرده است (روشن ۱۳۷۷: ۲۲۷).

۳۹) الف. محمد آب‌انبار را با آب پر کرد.

ب. آب آب‌انبار را پر کرد.

روشن افعالی مثل چراغانی کردن، آذین بستن، فرش کردن و... را باینکه از دسته افعال آلاینشی است اما افعال غیرتناوب‌ساز می‌داند چراکه این افعال نیاز به فاعل جاندار دارند و استفاده از آن‌ها در جملاتی مثل جملات ب زیر تخلف از محدودیت‌های گزینشی است.

۴۰) الف. مردم با چراغ‌های رنگی مغازه‌ها را چراغانی می‌کنند.

ب. \* چراغ‌های رنگی مغازه‌ها را چراغانی می‌کنند.

### ۳-۶. تناوب فاعل مکانی<sup>۲</sup>

در این دسته از افعال، ساخت «گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + گروه حرف‌اضافه‌ای مکانی + فعل» تبدیل به ساخت «گروه اسمی مکانی + گروه اسمی ۲ + فعل» می‌شود. به عبارتی گروه اسمی ۱ یعنی گروه اسمی فاعلی در شق دوم تناوب حذف می‌شود و گروه مکانی جانشین آن می‌شود. در این دسته افعال، دریکی از شقوق تناوب، فعل دارای سه موضوع «کنشگر، کنش‌پذیر و مکان» و در شق دوم دارای دو موضوع «مکان و کنش‌پذیر» خواهد بود. هنگامی که گروه اسمی فاعلی با نقش کنشگر در جمله حضور دارد، علاوه بر موضوع کنش‌پذیر، یک گروه حرف‌اضافه‌ای به‌عنوان مکان در جمله ظاهر می‌شود که در شق دوم تناوب و در صورت عدم حضور کنشگر، این گروه حرف‌اضافه‌ای بیانگر مکان، به‌صورت گروه اسمی فاعلی در تناوب شرکت خواهد کرد. این فاعل‌های مکانی گنجایش و ظرفیت مکان در رابطه با عملی که توسط فعل انجام شده است را توصیف می‌کنند. مانند جمله زیر:

۴۱) الف. ما پنج نفر را در هر اتاق جا دادیم.

1. locatum subject alternation

2. location subject alternation

ب. هر اتاق پنج نفر را (در خود) جا داد.  
 افعالی که در این تناوب شرکت می‌کنند از این قرارند: جای دادن، بایگانی کردن، مخفی نگه‌داشتن، ذخیره کردن، حمل کردن، غذا دادن، سیر کردن، بردن، آوردن.  
 افعالی مثل جای دادن، بایگانی کردن، ذخیره کردن، در جملاتی مثل:  
 (۴۲) الف. کتابدار تعداد زیادی کتاب را در یک قفسه جای داد.  
 ب. یک قفسه تعداد زیادی کتاب را در خود جای داد.  
 (۴۳) الف. من اطلاعات زیادی را در کارت حافظه دستگاهم ذخیره کردم.  
 ب. کارت حافظه دستگاه اطلاعات زیادی را در خود ذخیره کرده است.  
 و افعالی مانند: حمل کردن، بردن، آوردن در جملاتی مثل:  
 (۴۴) الف. آن‌ها هر بسته را با یک گاری حمل کردند.  
 ب. هر گاری یک بسته را حمل کرد.  
 و افعالی مثل غذا دادن، سیر کردن، تأمین کردن در جملاتی مشابه با جملات زیر می‌توانند تناوب ساز قلمداد شود:

(۴۵) الف. آن‌ها با این باغچه کوچک ۲۰ نفر را سیر می‌کنند.  
 ب. این باغچه کوچک ۲۰ نفر را سیر می‌کند.

### ۷-۳. تناوب فاعل دربرگیرنده<sup>۱</sup>

در این دسته از افعال، ساخت «گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + گروه حرف‌اضافه‌ای دربرگیرنده + فعل» تبدیل به ساخت «گروه اسمی دربرگیرنده + گروه اسمی ۲ + فعل» می‌شود. به عبارتی گروه اسمی ۱ یعنی گروه اسمی فاعلی در شق دوم تناوب حذف می‌شود و گروه اسمی دربرگیرنده جانشین آن می‌شود. در این دسته افعال، در یکی از شقوق تناوب، فعل دارای سه موضوع «کنشگر، کنش‌پذیر و موضوع دربرگیرنده» و در شق دوم دارای دو موضوع «دربرگیرنده و کنش‌پذیر» خواهد بود. هنگامی که گروه اسمی فاعلی با نقش کنشگر در جمله حضور دارد، علاوه بر موضوع کنش‌پذیر، یک گروه حرف‌اضافه‌ای به‌عنوان موضوع دربرگیرنده در جمله ظاهر می‌شود که در شق دوم تناوب و در صورت عدم حضور کنشگر، این گروه حرف‌اضافه‌ای، به‌صورت گروه اسمی فاعلی در تناوب شرکت خواهد کرد. به گفته لوین (۱۹۹۳) افعال شرکت‌کننده در این تناوب رابطه بین یک کل و مؤلفه‌هایش را توصیف می‌کنند. کل به‌صورت گروه حرف‌اضافه‌ای در جمله ظاهر می‌شود که می‌تواند در شق دوم تناوب جانشین فاعل شود و مؤلفه‌های آن به‌صورت مفعول مستقیم در هر دو شق تناوب، در جمله حضور دارند (Levin, 1993:82). به عبارتی در شق اول تناوب شاهد چنین ساختی خواهیم بود: «فاعل + مفعول (مؤلفه‌ها) + گروه حرف‌اضافه‌ای (کل) + فعل» و در شق دوم تناوب ساخت مذکور تبدیلی

به ساخت «گروه اسمی کل + مفعول ( مؤلفه‌ها) + فعل» می‌شود. نمونه‌ای که لوین (۱۹۹۳) از این تناوب در انگلیسی مطرح کرده است، جمله زیر می‌باشد:

46) a. I incorporated the new results into the paper.

b. The paper incorporates the new results.

افعالی مانند: بیان کردن، اعلام کردن، آشکار کردن، منعکس کردن، منتشر کردن، انتشار دادن، بسط دادن، گسترش دادن، پخش کردن، توزیع کردن، پراکنده کردن، پراکندن، سانسور کردن، مخفی کردن، پنهان کردن، قایم کردن، مسکوت نگه‌داشتن، بایگانی کردن، ارزیابی کردن، مطرح کردن، نوشتن، اشاره کردن، ارائه کردن، اظهار کردن، تفسیر کردن، ثابت کردن، تحلیل کردن، معرفی کردن، ضمیمه کردن.

۴۷) الف. او نتایج جدید را در مقاله منعکس کرد.

ب. مقاله نتایج جدید را منعکس کرد.

۴۸) الف. خبرنگاران فلان خبر را در روزنامه‌ها نوشتند.

ب. روزنامه‌ها فلان خبر را نوشتند.

۴۹) الف. مؤلف نکات تازه‌ای را در متن بیان می‌کند.

ب. متن نکات تازه‌ای را بیان می‌کند.

### ۸-۳. تناوب فاعل ماده خام یا اولیه<sup>۱</sup>:

به گفته لوین موضوع «ماده خام» که در انگلیسی با افعال خاصی از نوع افعال آفرینشی به کار می‌روند هنگامی که محصول به عنوان موضوع مفعولی در جمله ظاهر می‌شود، می‌توانند به عنوان فاعل حضور یابند. در چنین جملاتی که ماده خام به عنوان فاعل حضور دارد، فاعل بیانگر قابلیت به کارگیری فاعل در عمل توصیف شده توسط فعل است (Levin, 1993:82).

روشن (۱۳۷۷) معتقد است افعالی که در فارسی در این تناوب حضور می‌یابند، از زمره‌ی افعال شفایابی

هستند. مانند سیر کردن، شفا دادن، بهبود بخشیدن و معالجه کردن در جملاتی چون:

۵۰) الف. عطارباشی با گیاهان مختلف بیماران را شفا می‌دهد.

ب. گیاهان مختلف بیماران را شفا می‌دهد.

به اعتقاد روشن افعال آفرینشی مانند ساختن، درست کردن، آفریدن، بافتن، پختن، دوختن افعال غیر تناوب ساز هستند، چراکه این فعل‌ها نیاز به فاعل جاندار دارند و به کار بردن آن‌ها در شق دوم تناوب تخلف از محدودیت‌های گزینشی را سبب می‌شود (روشن ۱۳۷۷: ۲۲۸). مانند:

۵۱) الف. آهنگر با آهن می‌سازد.

ب. \*آهن می‌سازد.

اما نگارنده معتقد است، فعلی مانند به عمل آوردن، که از زمره افعال آفرینشی می‌باشد نیز می‌تواند در این

تناوب شرکت کند. به جملات زیر توجه فرمایید:

۵۲) الف. نانوا خمیر را با مخمر به عمل آورد.

ب. مخمر خمیر را به عمل آورد.

روشن (۱۳۷۷: ۲۲۸-۲۲۹) از تناوبی با عنوان تناوب فاعل ماده شیمیایی نیز در کنار تناوب‌های فاعل ماده خام، فاعل ماده جای گیرنده در مکان، فاعل ابزار ساخته دست بشر، فاعل مبلغی پول و فاعل سبب انتزاعی در ذیل تناوب فاعل ابزاری نام می‌برد با عنوان فاعل ماده شیمیایی. وی عنوان می‌دارد افعال تناوب ساز این طبقه، از طبقات افعال اضمحلالی، غنایی، کمیتی، آلایشی، پالایشی و شفایی هستند. مانند افعال زیر:

غنی کردن، حاصلخیز کردن، بارور کردن، غنا بخشیدن، خفه کردن، کشتن، مسموم کردن، کاهش دادن، متوقف کردن، کنترل کردن، کم کردن، کند کردن، تند کردن، سرعت بخشیدن، افزایش دادن، زیاد کردن، آبدستن کردن، فاسد کردن، نابود کردن، ریشه‌کن کردن، مبتلا کردن، خاموش کردن (حریق)، عفونی کردن، ضد عفونی کردن، تمیز کردن، پاک کردن، آلوده کردن، گندزدایی کردن، آلودن، التیام بخشیدن، آرام کردن، محافظت کردن، پیشگیری/ جلوگیری کردن، مهار کردن و... (روشن، ۱۳۷۷: ۲۲۸-۲۲۹)

۵۳) الف. کشاورز با کود شیمیایی خاک را غنی می‌کند.

ب. کود شیمیایی خاک را غنی می‌کند.

۵۴) الف. پرستار با دارو درد بیمار را تسکین داد.

ب. دارو درد بیمار را تسکین داد.

### ۳-۹. تناوب فاعل مبلغی پول<sup>۱</sup>:

در این دسته از افعال، ساخت «گروه اسمی ۱ + گروه حرف اضافه‌ای مبلغی پول + گروه اسمی ۲ + فعل» تبدیل به ساخت «گروه اسمی مبلغی پول + گروه اسمی ۲ + فعل» می‌شود. گروه اسمی ۱ یعنی گروه اسمی فاعلی در شق دوم تناوب حذف می‌شود و گروه اسمی مبلغی پول جانشین آن می‌شود. در این دسته افعال، در یکی از شقوق تناوب، فعل دارای سه موضوع «کنشگر، کنش‌پذیر و موضوع مبلغی پول» و در شق دوم دارای دو موضوع «مبلغی پول و کنش‌پذیر» خواهد بود. به گفته لوین (۱۹۹۳) افعال شرکت‌کننده در این تناوب افعالی هستند که یک معامله مالی را توصیف می‌کنند که مبلغی پول در آن معامله در حال انتقال است. وقتی که مبلغ پول در شق دوم تناوب جانشین فاعل می‌شود، بدین معناست که آن مبلغ پول کافی بوده است تا معامله مذکور صورت بگیرد (Levin 1993: 82):

55) a. I bought (you) a ticket for \$5 .

b. \$5 will buy (you) a ticket.

اما در فارسی به اعتقاد روشن (۱۳۷۷)، افعال تناوب ساز در این دسته افعالی از نوع تأمینی هستند مثل تأمین کردن، اداره کردن و...

جملات زیر به نقل از روشن (۱۳۷۷: ۲۲۹-۲۳۰) ذکر می‌گردد:

1. sum of money subject alternation

- ۵۶) الف. یک کارمند با ماهی ۱۵۰۰۰ تومان یک خانواده را تأمین می کند.  
 ب. ماهی پانزده هزار تومان یک خانواده را تأمین می کند.  
 به اعتقاد نگارنده علاوه بر افعال تأمینی ذکر شده، افعالی مانند تسویه کردن، نجات دادن، وسوسه کردن هم می توانند در این تناوب شرکت کنند. مانند:
- ۵۷) الف. مرد با صد هزار تومان بدهی اش را تسویه کرد.  
 ب. صد هزار تومان بدهی مرد را تسویه کرد.
- ۵۸) الف. مرد بینوا با ۲۰۰۰۰ تومان خانواده اش را از گرسنگی نجات داد.  
 ب. ۲۰۰۰۰ تومان خانواده مرد را از گرسنگی نجات داد.

### ۱۰-۳. تناوب فاعل مبدایی<sup>۱</sup>

در انگلیسی بنا به پژوهش لوین دو فعل benefit و profit در این تناوب شرکت می کنند. وی عنوان می دارد چنین تناوبی که در شق دوم تناوب مبدا را به عنوان فاعل جمله برگزیند با افعالی بسیار کمی کاربرد دارد (Levin 1993:83).

59) a. The middle class will benefit from the new tax laws.

b. The new tax laws will benefit the middle class.

در فارسی طبق بررسی های نگارنده چنین تناوبی مشاهده نشده است.

### نتیجه گیری

یکی از مباحث مورد توجه در معناشناسی واژگانی که اخیراً نیز در حوزه های پردازش زبان طبیعی مورد توجه قرار گرفته است، مطالعه رفتار نحوی- معنایی افعال و طبقه بندی افعال بر اساس رفتارهای مشترکشان است. از نخستین کسانی که به این مهم پرداخت، فیلمور می باشد که سعی در بررسی چگونگی بازنمایی معنایی افعال و طبقه بندی آنها با استفاده از دستور حالت و نقش های معناشناختی داشت. بعد از آن تعدادی از پژوهش گران سعی در طبقه بندی معنایی افعال بر اساس رفتار تناوبی آنها داشتند. اولین طبقه بندی جامع از این دست را می توان پژوهش لوین (۱۹۹۳) دانست. روش لوین برای دستیابی به مؤلفه های معنایی دخیل در رفتارهای نحوی افعال، شامل دو مرحله است. وی در مرحله نخست افعال را بر اساس تناوب های نحوی یکسانشان طبقه بندی کرد و به این ترتیب به طبقاتی از افعال رسید که دارای رفتارهای نحوی یکسانی هستند. وی سپس در مرحله دوم کار خود، در هر طبقه از افعالی که معانی و رفتارهای نحوی مشابهی دارند، به استخراج مؤلفه های معنایی خاصی پرداخت که باعث و مسبب اصلی آن رفتارهای نحوی یکسان شده بودند. ما در این مقاله کوشیده ایم تا بخش نخست از روش لوین را، آن هم فقط در مورد تناوب های فاعل فرعی، در مورد افعال فارسی انجام دهیم. نتایج این پژوهش نشان می دهد که تنها دو مورد از تناوب های معرفی شده توسط لوین در زبان فارسی کاربرد ندارد، یعنی تناوب فاعل زمانی و تناوب فاعل مبدایی. بقیه تناوب ها به کرات در افعال

1. Source Subject Alternation



فارسی مشاهده شده است. علاوه بر طبقه‌بندی ده‌گانه لوین در مورد تناوب‌های فاعلی، در فارسی تناوب فاعل ماده شیمیایی نیز وجود دارد که پیش‌تر توسط روشن (۱۳۷۷) معرفی شده بود و ما در این پژوهش صرفاً به معرفی آن پرداختیم.

### منابع

- روشن، بلقیس. (۱۳۷۷). معنی‌شناسی واژگانی: طبقه‌بندی فعل‌های فارسی. پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران.
- طیب‌زاده، امید، زیر چاپ ۱، «درآمدی بر تناوب‌های موضوعی افعال در واژگان زبان فارسی؛ تحقیقی بر اساس آراء بت لوین»، در: *یادنامه استاد هرمز میلانیان*، تهران، انتشارات هرمس.
- طیب‌زاده، امید، زیر چاپ ۲، «تناوب‌های گذرای در فارسی؛ تحقیقی بر اساس آراء بت لوین»، در: *دوماهنامه جستارهای زبانی دانشگاه تربیت مدرس*.
- Fillmore, Ch., 1968, "The Case for Case", in E. Bach and R. T. Harms, eds., 1-88. -
- Fillmore CJ. 1965. Indirect Object Constructions in English and the Ordering of -
- Transformations. The Hague: Mouton
- Fillmore, Ch., 1977, "The Case for Case Reopened", in P. Cole and J. M. Sadock, eds., -
- 59-81.
- Levin, B., 1993, English Verb Classes and Alternations: A Preliminary Investigation, -
- University of Chicago Press, Chicago IL.
- Levin, B., 2015, Semantics and Pragmatics of Argument Alternations: Annual Review of -
- Linguistics. Vol. 1: 63-83. <http://www.annualreviews.org/doi/pdf/10.1146/annurev-linguist-030514-125141>